

دانش زبانی و ادبی درس دوازدهم :

ضمیر: کلمه ای که به جای اسم می نشیند و از تکرار آن جلوگیری می کند.

مرجع ضمیر: کلمه ای که ضمیر به آن بر می گردد

مثال:

علی باغبان است او نخل می کارد فاطمه به خانه آمد او غذا را خورد

مرجع ضمیر → ضمیر مرجع ضمیر → ضمیر

نکته: هر نقشی که اسم در جمله می پذیرد ضمیر هم می تواند بپذیرد چون جانشین اسم است مانند نهاد - مفعول - مفعول - مفعول - متمم - صاف الیه مثال: این، آن است نهاد

انواع ضمیر:

- ۱- ضمیر اشاره: این - آن - همین - همان
- ۲- ضمیر تکرار: خود - خویش - خویشان
- ۳- ضمیر شخصی

ضمیر شخصی: دو نوع هستند ۱- ضمیر بسسته ۲- ضمیر بیوسسته

۱- **ضمیر بسسته (و جدا یا مفصل):** این ضمیرها مستقل هستند و به واژه های دیگر نمی چسبند

اول شخص (من)	مفرد	جمع
دوم شخص (تو)	من	ما
سوم شخص (او/وی)	تو	شما

نکته: در شعرهای گذشته گاهی به جای او، "وی" می آمده است. مثال: مسلمانان مرا وقتی دلی بود که با وی گفتی گریه می کرد

۲- **ضمیر بیوسسته (یا متصل):** همانطور که از اسمشان پیداست مستقل نیستند و به واژه های دیگر می چسبند

اول شخص: ۱- (من)	مفرد	جمع
دوم شخص: ۲- (تو)	من	ما
سوم شخص: ۳- (او/وی)	تو	شما

مان (کتابخانه)
تان (کتابخانه)
شان (کتابخانه)

نکته: ضمیر جدا پیوسته در نقش های نهاد - مضاف الیه - متمم - مفعول به کار می رود. مانند:
ما همین جا درس می خوانیم کتاب او بسیار زیباست
نهاد مضاف الیه

آن ها را در پارک دیدم پیام را به شما می دهد
مفعول متمم

ضمیر پیوسته در نقش های متمم - مفعول - مضاف الیه می آید مثال:
نکست آسایش یک لحظه دمساز
مضاف الیه را آسایش یک لحظه دمسازین نکست

گفتش تبر آهسته که جرم تو همین است.
متمم را اول گفت
تبر آهسته

مکن دورم ز نزدیکان درگاه
مفعول را دور شدن

ضمایر پیوسته را با کتاب ها اشتباه نگیرید.
کتاب به فعل می پیوست و می تواند اسم و حرف می پیوست

مثال: ازم دور شو ← ازم دور شو
ضمیر پیوسته

کتابت را به من بده ما همه کتابت را ترجمه تان را بخوانیم
ضمیر پیوسته کتاب مضاف الیه

ضمایر پیوسته	
م	مان
ت	تان
ش	شان

کتاب ها	
م	م
ت	ت
ش	ش